

توسعه فردی و تحول سازمانی

توسعه مدل یکپارچه پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی

محمد امیری^۱

شیوه استناددهی: امیری، محمد. (۱۴۰۳). توسعه مدل

یکپارچه پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در

کسب‌وکارهای بین‌المللی. توسعه فردی و تحول سازمانی،

۲(۳)، ۲۵-۳۲.

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: amiri87.mohammad@gmail.com

چکیده

تاریخ چاپ: ۲۵ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۸ مرداد ۱۴۰۳

هدف این پژوهش، توسعه یک مدل یکپارچه برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۲۴ نفر از مدیران و متخصصان کسب‌وکارهای بین‌المللی در تهران بود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار NVivo تجزیه و تحلیل شد. تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد تا الگوهای اصلی پایداری در کسب‌وکارهای بین‌المللی استخراج گردد. نتایج نشان داد که پایداری اقتصادی از طریق مدیریت هزینه، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و مدیریت ریسک امکان‌پذیر است. در بُعد اجتماعی، رعایت حقوق نیروی کار، مسئولیت اجتماعی شرکتی و تنوع و شمول سازمانی به‌عنوان عناصر کلیدی شناسایی شدند. در بُعد محیطی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پسماند و بازیافت، و کاهش انتشار کربن از مهم‌ترین استراتژی‌های پایداری شناخته شدند. همچنین، نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار پایدار و ایجاد شبکه‌های تأمین پایدار نقش مهمی در بهبود عملکرد پایدار کسب‌وکارهای بین‌المللی داشت. این پژوهش نشان داد که توسعه یک مدل یکپارچه پایداری مستلزم ایجاد تعادل میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. نتایج حاکی از آن است که کسب‌وکارهای بین‌المللی برای بقا و رقابت در بازارهای جهانی باید استراتژی‌های پایداری را در مدل‌های خود ادغام کنند و از نوآوری‌های فناورانه بهره‌گیرند.

کلیدواژگان: پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری محیطی، مدل کسب‌وکار پایدار، نوآوری در

کسب‌وکار

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Developing an Integrated Model of Economic, Social, and Environmental Sustainability in International Businesses

Mohammad Amiri^{1*}

1. Department of Business Management, University of Shiraz, Shiraz, Iran

*Corresponding Author's Email: amiri87.mohammad@gmail.com

How to cite: Amiri, M. (2024). Developing an Integrated Model of Economic, Social, and Environmental Sustainability in International Businesses. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(3), 25-32.

Submit Date: 29 July 2024

Revise Date: 4 September 2024

Accept Date: 19 September 2024

Publish Date: 16 October 2024

Abstract

The objective of this study is to develop an integrated model for economic, social, and environmental sustainability in international businesses. This study employed a qualitative approach using content analysis of semi-structured interviews. The sample consisted of 24 managers and business experts from international enterprises in Tehran, selected through purposive sampling. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using NVivo software. Open, axial, and selective coding methods were applied to identify the key sustainability patterns in international businesses. The results indicated that economic sustainability can be achieved through cost management, revenue diversification, and risk management. In the social dimension, key elements included labor rights protection, corporate social responsibility, and organizational diversity and inclusion. In the environmental dimension, the most important sustainability strategies were the use of renewable energy, waste management and recycling, and carbon emission reduction. Additionally, innovation in sustainable business models and the development of sustainable supply networks played a crucial role in improving the sustainability performance of international enterprises. This study demonstrated that developing an integrated sustainability model requires balancing economic, social, and environmental objectives. The findings suggest that international businesses must integrate sustainability strategies into their business models and leverage technological innovations to remain competitive in global markets.

Keywords: *Economic sustainability, social sustainability, environmental sustainability, sustainable business model, business innovation*



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در دنیای امروز، مفهوم پایداری به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع علمی، سیاست‌گذاران و مدیران کسب‌وکارهای بین‌المللی تبدیل شده است. تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اجتماعی، چالش‌های اقتصادی و تحولات سریع فناوری، همگی بر لزوم ایجاد مدل‌های کسب‌وکار پایدار تأکید دارند. مفهوم پایداری کسب‌وکار نه تنها به معنی ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، بلکه مستلزم ایجاد استراتژی‌هایی برای افزایش انعطاف‌پذیری، نوآوری و مسئولیت‌پذیری در سطح سازمانی و بین‌المللی است (Porter & Kramer, 2019). در این راستا، شرکت‌های بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای به دنبال توسعه مدل‌هایی هستند که بتوانند ضمن افزایش مزیت رقابتی، اثرات مثبت اجتماعی و زیست‌محیطی نیز ایجاد کنند (Elkington, 2018).

پایداری در کسب‌وکارهای بین‌المللی به سه بعد اصلی تقسیم می‌شود: پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی. پایداری اقتصادی به توانایی کسب‌وکارها در حفظ سودآوری بلندمدت، مدیریت بهینه منابع مالی و کاهش وابستگی به منابع محدود اشاره دارد (Bocken et al., 2014). در این راستا، مدل‌های تجاری نوین مانند اقتصاد چرخشی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار، به‌عنوان راهکارهایی برای افزایش دوام اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند (Geissdoerfer et al., 2017). از سوی دیگر، پایداری اجتماعی شامل رعایت حقوق نیروی کار، مسئولیت اجتماعی شرکتی و مشارکت در توسعه جوامع محلی است (Carroll & Shabana, 2010). در نهایت، پایداری محیطی به کاهش اثرات زیست‌محیطی کسب‌وکارها، مدیریت بهینه منابع طبیعی و به‌کارگیری فناوری‌های پاک اشاره دارد (Dyllick & Muff, 2016). شرکت‌های بین‌المللی برای دستیابی به این ابعاد پایداری، نیازمند اتخاذ یک رویکرد یکپارچه هستند که بتواند این سه حوزه را به‌صورت هم‌زمان در نظر بگیرد. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، ایجاد توازن میان اهداف اقتصادی و تعهدات اجتماعی و محیطی است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کسب‌وکارهایی که در استراتژی‌های خود به این سه بعد توجه دارند، نه تنها عملکرد مالی بهتری دارند، بلکه در بلندمدت از مزیت رقابتی بالاتری برخوردار خواهند بود (Freudenreich et al., 2020).

علی‌رغم اهمیت و ضرورت توسعه مدل‌های پایدار، کسب‌وکارهای بین‌المللی با چالش‌های متعددی در این مسیر مواجه هستند. از جمله چالش‌های اقتصادی، می‌توان به هزینه‌های بالای پیاده‌سازی فناوری‌های پایدار، عدم حمایت مالی از شرکت‌های نوپا و عدم دسترسی به منابع پایدار اشاره کرد (Schaltegger et al., 2016). در کنار این چالش‌ها، موانع اجتماعی مانند مقاومت در برابر تغییر، نگرش‌های سنتی، و عدم آگاهی عمومی درباره مزایای مدل‌های پایدار نیز از عوامل بازدارنده محسوب می‌شوند (Hahn et al., 2015). افزون بر این، پیچیدگی‌های قانونی و نبود استانداردهای جهانی، موانع مهمی در مسیر اجرای سیاست‌های پایدار در سطح بین‌المللی هستند (Montiel & Delgado-Ceballos, 2014).

از سوی دیگر، بسیاری از شرکت‌ها در ادغام فناوری‌های نوین در مدل‌های پایدار خود با چالش‌های فناورانه مواجه هستند. برای مثال، هوش مصنوعی و کلان‌داده‌ها می‌توانند در بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش ضایعات صنعتی نقش مهمی داشته باشند، اما هزینه بالای پیاده‌سازی این فناوری‌ها و نیاز به تخصص فنی مانع از پذیرش گسترده آن‌ها در شرکت‌های کوچک و متوسط شده است (Boons et al., 2013). نوآوری به‌عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد مدل‌های کسب‌وکار پایدار شناخته می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند که شرکت‌هایی که در فناوری‌های سبز سرمایه‌گذاری می‌کنند، نه تنها اثرات زیست‌محیطی خود را کاهش می‌دهند، بلکه به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش سودآوری نیز دست می‌یابند (Bocken & Short, 2016). علاوه بر این، توسعه مدل‌های جدید تجاری مانند مدل‌های اشتراکی، اقتصاد چرخشی و

همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به کاهش وابستگی به منابع محدود و افزایش بهره‌وری کسب‌وکارها کمک کند (Lüdeke-Freund et al., 2018).

یکی از راهکارهای پیشنهادی برای افزایش نوآوری در مدل‌های پایدار، ایجاد شبکه‌های پایدار تأمین است. تحقیقات نشان داده‌اند که همکاری با تأمین‌کنندگان بومی و مدیریت زنجیره تأمین سبز می‌تواند به بهبود کیفیت مواد اولیه، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی منجر شود (Seuring & Gold, 2013). به‌عنوان مثال، شرکت‌های بزرگی مانند پاتاگونیا (Patagonia) و یونیلور (Unilever) با ایجاد زنجیره تأمین پایدار توانسته‌اند میزان ضایعات خود را کاهش داده و در عین حال سودآوری خود را حفظ کنند (García-Muiña et al., 2020).

با توجه به اهمیت توسعه مدل‌های پایدار در کسب‌وکارهای بین‌المللی، هدف این پژوهش، توسعه یک مدل یکپارچه برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در شرکت‌های بین‌المللی است. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد کیفی و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، دیدگاه‌های مدیران و متخصصان این حوزه بررسی شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران کمک کند تا استراتژی‌هایی را اتخاذ کنند که ضمن افزایش مزیت رقابتی، تأثیرات مثبت اجتماعی و زیست‌محیطی نیز داشته باشند.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی است و به منظور توسعه یک مدل یکپارچه از پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی انجام شده است. رویکرد پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی است و از روش تحلیل مضمون برای استخراج مفاهیم کلیدی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۴ نفر از مدیران و متخصصان حوزه کسب‌وکار بین‌المللی در تهران بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب مشارکت‌کنندگان، داشتن تجربه کافی در زمینه مدیریت پایدار و آشنایی با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی بود.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سؤالات مصاحبه به‌گونه‌ای طراحی شد که دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان درباره چگونگی تحقق هم‌زمان پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در سازمان‌های بین‌المللی بررسی شود. روند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که پس از مصاحبه بیست‌وچهارم، داده‌های جدید، تکراری شده و مفهوم جدیدی به پژوهش اضافه نشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد. در این فرایند، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به‌صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد تا الگوهای مفهومی و مضامین اصلی مرتبط با پایداری در کسب‌وکارهای بین‌المللی شناسایی شوند. در نهایت، از روش مقایسه‌ای مداوم برای افزایش دقت و اعتبار یافته‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، تعداد ۲۴ نفر از مدیران و متخصصان حوزه کسب‌وکارهای بین‌المللی در شهر تهران به‌عنوان مشارکت‌کنندگان حضور داشتند. از نظر جنسیت، ۱۷ نفر (۷۰.۸٪) مرد و ۷ نفر (۲۹.۲٪) زن بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۳۵ تا ۶۰ سال متغیر بود که میانگین سنی آن‌ها ۴۵.۶ سال بود. از نظر میزان تحصیلات، ۱۸ نفر (۷۵٪) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۶ نفر (۲۵٪) دارای مدرک دکتری بودند. از لحاظ سابقه کاری، ۹ نفر (۳۷.۵٪) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۸ نفر (۳۳.۳٪) بین ۱۱ تا ۲۰ سال، و ۷ نفر (۲۹.۲٪) بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت در

حوزه کسب و کارهای بین‌المللی داشتند. همچنین، از نظر حوزه فعالیت، ۱۰ نفر (۴۱.۷٪) در صنایع تولیدی، ۶ نفر (۲۵٪) در بخش خدمات، ۵ نفر (۲۰.۸٪) در حوزه فناوری و نوآوری، و ۳ نفر (۱۲.۵٪) در بخش مشاوره و سیاست‌گذاری مشغول به کار بودند.

در این پژوهش، یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نشان داد که پایداری اقتصادی در کسب و کارهای بین‌المللی از طریق چندین راهبرد کلیدی تقویت می‌شود. یکی از این راهبردها، مدیریت هزینه است که شامل بهینه‌سازی زنجیره تأمین، کاهش ضایعات تولید، مدیریت منابع مالی، تعدیل هزینه‌های عملیاتی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت: "در شرایط ناپایدار اقتصادی، ما مجبور شدیم مدل تأمین مواد اولیه را تغییر دهیم تا هزینه‌ها را کاهش دهیم، در غیر این صورت بقای کسب و کار ممکن نبود." همچنین، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی به‌عنوان یک عامل مهم دیگر در پایداری اقتصادی مطرح شد که از طریق توسعه بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار، اتخاذ مدل‌های تجاری انعطاف‌پذیر و نوآوری در محصولات امکان‌پذیر شده است. در این راستا، یکی از مدیران شرکت‌های بین‌المللی اشاره کرد: "تمرکز صرف بر یک بازار، ما را آسیب‌پذیر می‌کند؛ به همین دلیل، به دنبال ایجاد تنوع در محصولات و بازارهای هدف هستیم." علاوه بر این، مدیریت ریسک اقتصادی که شامل تحلیل بازارهای جهانی، تطبیق‌پذیری با نوسانات اقتصادی، مدیریت بحران مالی و کاهش وابستگی به منابع محدود است، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ پایداری اقتصادی دارد. در این باره، یکی از پاسخ‌دهندگان گفت: "در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، انعطاف‌پذیری در مدل‌های کسب و کار بسیار مهم است، زیرا بازارها همیشه در حال تغییر هستند."

در حوزه پایداری اجتماعی، رعایت حقوق نیروی کار یکی از مسائل کلیدی بود که شامل پرداخت دستمزد منصفانه، تأمین امنیت شغلی، کاهش تبعیض جنسیتی، تقویت فرهنگ کار تیمی و بهبود شرایط کاری می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان بیان داشت: "ما تلاش می‌کنیم که دستمزدها را مطابق با استانداردهای بین‌المللی پرداخت کنیم، زیرا نیروی کار راضی، بازدهی بیشتری دارد." همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکتی از طریق حمایت از جوامع محلی، توسعه برنامه‌های آموزشی، اجرای پروژه‌های رفاهی، تأمین رفاه کارکنان و مشارکت در طرح‌های خیریه مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، یکی از مدیران اظهار داشت: "شرکت ما علاوه بر سودآوری، مسئولیت اجتماعی را نیز بر عهده دارد و ما در پروژه‌های آموزشی برای کودکان محروم سرمایه‌گذاری کرده‌ایم." در نهایت، تنوع و شمول سازمانی که شامل جذب نیروی کار متنوع، اجرای برنامه‌های آموزشی، افزایش برابری فرصت‌ها و کاهش شکاف‌های اجتماعی است، به‌عنوان یکی از عناصر اصلی پایداری اجتماعی مطرح شد.

در رابطه با پایداری محیطی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یک رویکرد کلیدی شناسایی شد که شامل بهره‌گیری از انرژی خورشیدی، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی، بهینه‌سازی مصرف برق و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اشاره کرد: "استفاده از انرژی خورشیدی در کارخانه‌های ما نه تنها هزینه‌ها را کاهش داده، بلکه تصویر بهتری از برند ما در میان مشتریان ایجاد کرده است." همچنین، مدیریت پسماند و بازیافت یکی از حوزه‌های مهم در این زمینه بود که شامل کاهش ضایعات صنعتی، استفاده مجدد از مواد، برنامه‌های کاهش پلاستیک و طراحی بسته‌بندی‌های پایدار می‌شود. در این رابطه، یکی از کارشناسان محیط‌زیست بیان کرد: "طراحی بسته‌بندی‌های پایدار و کاهش استفاده از پلاستیک، تأثیر چشمگیری بر کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی دارد." علاوه بر این، کاهش انتشار کربن نیز به‌عنوان یک استراتژی کلیدی مطرح شد که از طریق اصلاح فرآیندهای تولید، حمل‌ونقل پایدار، کاهش مصرف انرژی و تغییر سیاست‌های تأمین منابع اجرایی شده است.

در زمینه نوآوری و تحول در مدل‌های پایدار کسب‌وکار، توسعه فناوری‌های سبز از جمله استفاده از فناوری‌های زیست‌محیطی، تحقیق و توسعه در مواد پایدار، دیجیتالی‌سازی فرآیندها و افزایش بهره‌وری انرژی نقش محوری داشت. یکی از مدیران نوآوری در این زمینه بیان کرد: "سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز، علاوه بر کاهش هزینه‌های بلندمدت، باعث بهبود جایگاه رقابتی ما شده است." همچنین، طراحی مدل‌های جدید تجاری شامل مدل‌های اشتراکی اقتصادی، اقتصاد چرخشی، همکاری‌های بین‌المللی و هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری از جمله راهکارهای مهم در این زمینه بود. در این رابطه، یکی از پاسخ‌دهندگان گفت: "مدل‌های اقتصادی مبتنی بر اشتراک‌گذاری منابع، می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری کمک کنند." ایجاد شبکه‌های پایدار تأمین نیز به‌عنوان یک عامل مهم دیگر شناسایی شد که شامل همکاری با تأمین‌کنندگان بومی، مدیریت زنجیره تأمین سبز، کنترل کیفیت مواد اولیه و پیاده‌سازی سیاست‌های نظارتی پایدار است. در نهایت، چالش‌ها و موانع در اجرای پایداری نیز به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. موانع اقتصادی شامل هزینه‌های بالا، عدم حمایت مالی، عدم دسترسی به منابع پایدار و کمبود انگیزه اقتصادی بود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت: "برخی از راهکارهای پایدار، نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه بالایی هستند که شرکت‌های کوچک توانایی تأمین آن را ندارند." همچنین، موانع فرهنگی و اجتماعی از جمله مقاومت در برابر تغییر، عدم آگاهی عمومی، نگرش‌های سنتی و تعارض منافع ذینفعان نیز از چالش‌های اجرای سیاست‌های پایدار محسوب می‌شوند. علاوه بر این، موانع حقوقی و نظارتی مانند پیچیدگی قوانین، نبود استانداردهای جهانی، مقررات سخت‌گیرانه و تفاوت‌های سیاستی میان کشورها نیز از جمله مسائلی بودند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند. یکی از مدیران صنایع در این باره اظهار داشت: "نبود قوانین یکپارچه بین‌المللی در زمینه پایداری، اجرای سیاست‌های محیط‌زیستی را دشوار کرده است." در نهایت، موانع فناورانه شامل عدم دسترسی به فناوری‌های پایدار، هزینه بالای پیاده‌سازی فناوری، کمبود زیرساخت دیجیتالی و نیاز به نیروی متخصص از دیگر موانع اجرای راهکارهای پایداری در کسب‌وکارهای بین‌المللی شناسایی شد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که توسعه یک مدل یکپارچه از پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی مستلزم توجه هم‌زمان به این سه بعد و اتخاذ استراتژی‌هایی است که بتوانند تعادلی میان الزامات اقتصادی، مسئولیت‌های اجتماعی و ملاحظات زیست‌محیطی برقرار کنند. نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نشان داد که پایداری اقتصادی در کسب‌وکارهای بین‌المللی بیش از هر چیز به مدیریت هزینه، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و مدیریت ریسک اقتصادی وابسته است. این یافته‌ها با مطالعات پیشین همخوانی دارد که نشان داده‌اند شرکت‌هایی که از مدل‌های کسب‌وکار انعطاف‌پذیر استفاده می‌کنند و تنوع استراتژیک در منابع مالی خود ایجاد می‌کنند، نه تنها در برابر نوسانات اقتصادی مقاوم‌تر هستند، بلکه در بلندمدت از مزیت رقابتی بیشتری برخوردار می‌شوند (Bocken et al., 2014). برای مثال، پژوهش Geissdoerfer et al. (۲۰۱۷) نشان داد که توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر اقتصاد چرخشی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار می‌تواند موجب افزایش دوام اقتصادی شرکت‌های بین‌المللی شود.

پایداری اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از محورهای اصلی مدل یکپارچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که رعایت حقوق نیروی کار، مسئولیت اجتماعی شرکتی و ایجاد تنوع و شمول سازمانی از عوامل کلیدی در این زمینه هستند. این یافته‌ها با پژوهش Carroll & Shabana (۲۰۱۰) همخوانی دارد که در آن تأکید شده است کسب‌وکارهایی که به مسئولیت اجتماعی خود پایبند هستند، نه تنها در جامعه اعتبار بیشتری کسب می‌کنند، بلکه کارکنان متعهدتری خواهند داشت. علاوه بر این، نتایج این تحقیق نشان داد که ایجاد

محیط‌های کاری منصفانه و پایدار باعث افزایش رضایت شغلی و در نتیجه بهبود عملکرد سازمانی می‌شود، که یافته‌های Dyllick & Muff (۲۰۱۶) را تأیید می‌کند. همچنین، Freudenreich et al. (۲۰۲۰) اشاره کرده‌اند که شرکت‌هایی که در سیاست‌های خود به شفافیت، برابری جنسیتی و رعایت استانداردهای بین‌المللی کار توجه دارند، در بلندمدت بهره‌وری بیشتری خواهند داشت. در زمینه پایداری محیطی، این پژوهش نشان داد که استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پسماند و بازیافت، و کاهش انتشار کربن از جمله استراتژی‌های کلیدی برای حفظ محیط‌زیست در کسب‌وکارهای بین‌المللی محسوب می‌شوند. این نتایج با پژوهش Bocken & Short (۲۰۱۶) همسو است که نشان داد اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی نظیر سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز، علاوه بر کاهش اثرات منفی بر محیط‌زیست، موجب کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش سودآوری می‌شود. از سوی دیگر، Seuring & Gold (۲۰۱۳) نیز نشان داده‌اند که مدیریت زنجیره تأمین سبز و همکاری با تأمین‌کنندگان محلی می‌تواند نقش مهمی در کاهش آلودگی و افزایش پایداری سازمانی داشته باشد. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اجرای چنین سیاست‌هایی نه تنها مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان را افزایش می‌دهد، بلکه باعث بهبود برندینگ و افزایش وفاداری مشتریان نیز می‌شود، یافته‌ای که در مطالعه García-Muiña et al. (۲۰۲۰) نیز تأیید شده است.

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش، نقش نوآوری در توسعه مدل‌های پایدار کسب‌وکار بود. شرکت‌هایی که در فناوری‌های سبز سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از مدل‌های جدید تجاری نظیر اقتصاد اشتراکی و هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند، توانسته‌اند بهره‌وری خود را افزایش داده و در عین حال، اثرات زیست‌محیطی منفی را کاهش دهند. این یافته‌ها با مطالعات Lüdeke-Freund et al. (۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد که نشان داد نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار پایدار نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه به‌عنوان یک عامل کلیدی برای حفظ رقابت‌پذیری سازمانی محسوب می‌شود. پژوهش Montiel & Delgado-Ceballos (۲۰۱۴) نیز نشان داد که توسعه فناوری‌های نوین، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری سازمانی دارد، که یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

این پژوهش با وجود ارائه بینش‌های عمیق درباره توسعه مدل یکپارچه پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی در کسب‌وکارهای بین‌المللی، با چند محدودیت همراه بود. نخست، این پژوهش تنها بر اساس مصاحبه‌های کیفی با ۲۴ نفر از مدیران و متخصصان در تهران انجام شد و ممکن است یافته‌های آن تعمیم‌پذیری محدودی به سایر نقاط جغرافیایی داشته باشد. محدودیت دوم به این مسئله مربوط می‌شود که داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده‌اند، که می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌های پاسخ‌دهندگان قرار گیرد. علاوه بر این، عدم بررسی شاخص‌های کمی در این پژوهش باعث شده است که سنجش دقیق تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مدل‌های پیشنهادی نیازمند تحقیقات تکمیلی باشد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده با استفاده از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شوند تا بتوان تأثیرات دقیق مدل‌های پایداری را بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی سازمان‌ها بررسی کرد. همچنین، بررسی این مدل در صنایع مختلف و مقایسه آن در شرکت‌های چندملیتی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند بینش عمیق‌تری درباره میزان اثربخشی استراتژی‌های پایداری ارائه دهد. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی به نقش سیاست‌های دولتی و حمایت‌های قانونی در پیاده‌سازی مدل‌های پایدار پرداخته شود، چراکه یکی از چالش‌های مهم مطرح‌شده در این پژوهش، نبود استانداردهای جهانی و پیچیدگی‌های قانونی بود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، کسب‌وکارهای بین‌المللی می‌توانند از راهکارهای عملی متعددی برای افزایش پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی خود استفاده کنند. یکی از راهکارهای مهم، توسعه سیاست‌های اقتصادی انعطاف‌پذیر نظیر تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار و مدیریت کارآمد هزینه‌ها است. همچنین، شرکت‌ها باید به مسئولیت اجتماعی خود توجه بیشتری داشته باشند و از طریق افزایش تنوع نیروی کار، بهبود شرایط کاری و ارتقای استانداردهای کارگری، به ایجاد محیط‌های کاری پایدار کمک کنند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها برای کاهش اثرات زیست‌محیطی خود، از فناوری‌های سبز بهره‌گیرند، میزان انتشار کربن خود را کاهش دهند و در برنامه‌های بازیافت و مدیریت پسماند سرمایه‌گذاری کنند. در نهایت، مدیران باید استراتژی‌های نوآورانه‌ای را برای همگام شدن با تحولات جهانی اتخاذ کنند و از طریق ایجاد شبکه‌های پایدار تأمین و همکاری‌های بین‌المللی، مزیت رقابتی خود را در بازارهای جهانی حفظ کنند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

References

- Bocken, N. M. P., Short, S. W. (2016). Towards a sufficiency-driven business model: Experiences and opportunities. *Environmental Innovation and Societal Transitions*, 18, 41-61.
- Bocken, N. M. P., Short, S. W., Rana, P., Evans, S. (2014). A literature and practice review to develop sustainable business model archetypes. *Journal of Cleaner Production*, 65, 42-56.
- Boons, F., Montalvo, C., Quist, J., Wagner, M. (2013). Sustainable innovation, business models and economic performance: An overview. *Journal of Cleaner Production*, 45, 1-8.
- Carroll, A. B., Shabana, K. M. (2010). The business case for corporate social responsibility: A review of concepts, research and practice. *International Journal of Management Reviews*, 12(1), 85-105.
- Dyllick, T., Muff, K. (2016). Clarifying the meaning of sustainable business: Introducing a typology from business-as-usual to true business sustainability. *Organization & Environment*, 29(2), 156-174.
- Elkington, J. (2018). *The triple bottom line: Does it all add up?* Routledge.
- Freudenreich, B., Lüdeke-Freund, F., Schaltegger, S. (2020). A stakeholder theory perspective on business models: Value creation for sustainability. *Journal of Business Ethics*, 166(1), 3-18.
- García-Muiña, F. E., González-Sánchez, R., Ferrari, A. M., Settembre-Blundo, D. (2020). The paradigms of Industry 4.0 and Circular Economy as enabling drivers for sustainability: Towards a theoretical framework for industrial symbiosis. *Sustainability*, 12(24), 10004.
- Geissdoerfer, M., Savaget, P., Bocken, N. M. P., Hultink, E. J. (2017). The Circular Economy—A new sustainability paradigm? *Journal of Cleaner Production*, 143, 757-768.